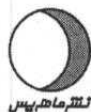


داستان‌های ملانصرالدین
به روایت مردم آذربایجان

عمار عقیقی





ناشر ماهریس

سرشناسه: عیفی، عمار، ۱۳۵۹-

عنوان و نام پدیدآور: داستان‌های ملانصرالدین به روایت مردم آذربایجان/ عمار عیفی

مشخصات نشر: تهران: ماهریس، ۱۳۹۸.

مشخصات فیزی: ۳۹۰ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۱۱-۸۳-

موضوع: داستان‌ها طنز آذربایجان فارسی - قرن ۱۴

Humorous Stories, Persian - 20th century: موضوع

رده‌بندی کنگره: ۱۳۶۸ ۲۹۵ ف / PIR۸۳۵

رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۳۸۷۰-



دفتر انتشارات

محل: انقلاب خیابان کارگر جنوبی

تقابل: لباف، یاد، شماره ۲۶۶

تلفن: ۰۲۱-۴۸۲۰۵۰

www.nashremahris.com



@nashremahris



@ketabfarhang

داستان‌های ملانصرالدین

به روایت مردم آذربایجان

ناشر: انتشارات ماهریس

طراحی و تولید: آتلیه ماهریس

چاپ متن و صحافی: ترنج

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۸

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات ماهریس محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۱۷	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۳	حساب و کتاب تمام شود
۲۴	مانند سوزن، دنبالش هستند
۲۵	وضویت را بگو و کفش هایم را بده
۲۵	از کفاش
۲۶	از کسی که پشت بستاند
۲۶	ملا اذان می گوید
۲۷	آنهایی که می دانند به بهای نمی دانند بگویند
۲۸	هیچ از حال من نمی پرسید!
۲۹	بهشت را قبول نمی کند
۳۰	کَلَّةُ اول بهشت
۳۰	بر سرت بگذار و بخوان
۳۱	وَرَات می دانند
۳۳	دیگر از این غلط ها نکنی
۳۵	بنده خدا
۳۶	حکم پنج شاهی
۳۷	به خاطر حیوانات داخلش بزرگ است
۳۸	ملا و پولدار
۴۱	هم نوکرم هم ارباب
۴۲	شاید بدهند
۴۲	از این بگیر و به آن یکی بده
۴۳	مشتری خوب باشد
۴۴	کَلَّةُ الاغ
۴۵	می کشند و می خورند
۴۵	بگذار من ضرر کنم
۴۶	فردا
۴۷	کَلَّةُ شتر

- ۴۸ جناب بازرگان
۵۲ نمی‌برم که برگردانم
۵۳ ان شاءالله
۵۴ ملا تاجر می‌شود
۵۴ می‌خندی
۵۶ اصلاً خجالت نمی‌کشی؟
۵۷ بوقلمون ملا
۵۸ یز بیرون انداختنی را می‌فروشند؟
۵۸ رماز تب
۵۹ این برای آن، آن برای این
۶۱ شاید چیزی را بگیرد
۶۱ می‌نرسد مرا خفا کند
۶۲ نخوری می‌شود
۶۴ به سگ تازی توبان می‌شود
۶۵ پای حرفت بایستد
۶۵ یک بار هم من بمیرم
۶۶ سفید بود، یا سیاه سیاه
۶۷ بعد از مرگش بوده است...
۶۷ دیگر نفروشد
۶۸ ملا و خسیس
۶۹ یک بار دیگر بخورم بعد
۶۹ زیر سر پلو
۷۰ باور نکن
۷۲ ببینی دل چه کسی می‌سوزد؟
۷۲ درد ملا
۷۳ یک تفاوت کوچک
۷۴ چیزی مانند زن است
۷۴ خوب می‌شود شناخت
۷۵ وارثان هم من می‌شوم
۷۶ یک بی‌تربیت گفت دیگر
۷۶ قرض نخواه
۷۷ پولی را که گرفتی می‌گویی
۷۷ دروغ در مقابل دروغ
۷۸ قبله‌نما
۷۹ ملا و عالم

۸۱	انار تمام شد پس جواب هم تمام شد
۸۳	کلاغ
۸۳	هر چهل سؤال را یک جا نمی‌دانم
۸۴	دُمش هم دَر کنارش
۸۸	چرا بالای آسمان رفتی
۸۸	پانصد کیسه خواهد دید دیگر...
۸۹	چه کسی بد چشم است
۹۱	نوبرانه انجیر
۹۲	بدتر از این هم خواهد آمد
۹۴	عاج‌دارش هم می‌آید
۹۵	این اندازه این اندازه
۹۶	مثل اینکه باب پادشاه را می‌خواهد
۹۷	یک پادشاه عاقل
۹۸	گدای ترسناک
۹۹	تیمور لنگ هستی که می‌...
۱۰۱	هزار ترک
۱۰۱	سؤال تیمور
۱۰۲	تو را خط می‌زنم خودم را می‌نویسم
۱۰۴	مثل بادمجان
۱۰۶	عذر بدتر از گناه
۱۰۷	دروغ گفته‌اند
۱۰۷	ملا و اشراف‌زادگان
۱۰۸	ملا به جنگ می‌رود
۱۱۰	آرزوی پادشاهی
۱۱۰	خواهم کند
۱۱۴	هواشناسی تیمور
۱۱۵	به کمر بندم ببندند
۱۱۶	بعداً به روی چشم
۱۱۷	چه کسی
۱۱۷	نام تیمور
۱۱۸	پس کی انجام بدهند؟
۱۲۰	از طرف خودش رسیده است
۱۲۱	ملا هم این‌طور پرتاب می‌کند
۱۲۲	از عدالت می‌گفتم
۱۲۳	چهارپا می‌شدی

- ۱۲۴ به آدم حمله می‌کند
 ۱۲۴ نوش جان نمی‌گوییم
 ۱۲۵ از عدالتش تعریف می‌کند
 ۱۲۶ مسئله قیمت
 ۱۲۶ نمی‌تواند پایه‌پا شود
 ۱۲۷ فقیر زیاد است
 ۱۲۷ آنجا تو مهمانی
 ۱۲۸ گاو که بزرگ‌تر نمی‌شود
 ۱۲۹ ما همه کوچکیم
 ۱۲۹ انبساط را پیشه کردم
 ۱۳۰ نتیجه دو سنگ است
 ۱۳۲ یا خرده می‌برد یا شور
 ۱۳۳ پسر ملانصرالدین
 ۱۳۴ زورم نخواهد بود
 ۱۳۵ سنگ روی سنگ بند نمی‌شد
 ۱۳۶ تمام‌شدنی نبود
 ۱۳۷ پنج ده سکه می‌ارزم
 ۱۳۹ هم‌جنس خر
 ۱۴۰ من بروم بگویم
 ۱۴۱ موی شهر
 ۱۴۲ به عقلش نمی‌رسد
 ۱۴۳ سر و چشم باقی نمی‌ماند
 ۱۴۵ چیز خاصی نیست
 ۱۴۵ لباس حاکم
 ۱۴۷ کدخدا
 ۱۴۷ به‌عنوان مثال
 ۱۵۱ برای ما با این اندازه‌گیری شود
 ۱۵۲ محبت
 ۱۵۳ مرهای انجیر
 ۱۵۴ جانم فدای حاکم بشود
 ۱۵۵ کتاب قانون حساب و کتاب می‌کند
 ۱۵۵ شهادت ملا
 ۱۵۷ شاهین ملا
 ۱۶۰ جوجه‌هایم صحبت می‌کنند
 ۱۶۰ آن کتاب سیاه را بده ببینم

۱۶۱	بدهی حاکم است
۱۶۲	نه از هر سر در می آورد نه از بر
۱۶۳	وصیت نامه ملانصرالدین
۱۶۴	یخ با نان
۱۶۵	با تبر هم درست نمی شوند
۱۶۶	تو بگیر
۱۶۷	تو گاز گرفتی
۱۶۸	به خودم می دهی
۱۶۹	تو هر روز می آیی
۱۶۹	غلط در کوزه ریختن است
۱۷۰	در گوش رد قاضی بگو
۱۷۱	تو بیوش و این لذت ببر
۱۷۲	حاکم برای شما تعیین کرده
۱۷۳	قاضی خانه است
۱۷۴	می ترسم گله کنم
۱۷۵	خواب
۱۷۵	مردی که زنش را طلاق می داد
۱۷۶	مادر بچه
۱۷۷	تقسیم کردن ملا
۱۷۹	آن یکی منتظر بماند
۱۷۹	حکم ملا
۱۸۱	گوش کردی برو
۱۸۳	هیچ چیز را بردار و برو
۱۸۵	چشم خدا
۱۸۵	دانستن و ندانستن
۱۸۶	نذر ملا
۱۸۶	چرا می ریزی؟
۱۸۷	کاه گیل
۱۸۸	عمر ما تمام می شود که...
۱۸۹	گاو را بعداً بیرون می کنم
۱۸۹	برگردانم به خودش
۱۸۹	طایفه ملا
۱۹۰	تف به صورتت انداخته
۱۹۱	این دُم خرم است
۱۹۲	اگر درست نبود آن وقت بگو

- ۱۹۴ دعای سگ
 ۱۹۴ قربانی ملا
 ۱۹۵ نخواهم گرفت
 ۱۹۶ همگی می‌خوانند
 ۱۹۶ از گرسنگی می‌میرد
 ۱۹۷ یز
 ۲۰۰ بین هر دو هستم
 ۲۰۱ سه بودن را ترجیح دادم
 ۲۰۲ ری، پاک شدن از گناه از بیخ تراشیدم
 ۲۰۲ لا شیطان شده است
 ۲۰۳ جاز، سالم به بیرون
 ۲۰۳ در خدا
 ۲۰۳ سی گردو هست من می‌سود
 ۲۰۴ چهار نعل به دست من آمد
 ۲۰۵ روز یکصد و بیست و یکم است
 ۲۰۶ نمی‌توانم به گناه آلوده شوم
 ۲۰۷ فکر کردم منم
 ۲۰۷ ملا و دزد
 ۲۰۷ گرفتن راحت است
 ۲۰۸ دزد هیچ گناهی ندارد
 ۲۰۹ از خجالت‌م داخل شدم
 ۲۰۹ گاو هم بالا می‌رود
 ۲۱۰ من تو را یا تو مرا؟
 ۲۱۱ دزد
 ۲۱۱ می‌خواهم بریزم سرم
 ۲۱۲ مال خودت را بخور دیگر...
 ۲۱۳ خورشید بلدرچین
 ۲۱۴ آماده شدن برای زمستان
 ۲۱۴ بورانی چغندر
 ۲۱۵ نامه ملا
 ۲۱۶ برهنه می‌ماندیم
 ۲۱۶ ملا در کشتی
 ۲۱۷ سر و کله نمی‌گذاشتی
 ۲۱۷ منت گذاشتن
 ۲۱۸ توب را برداشتند و داخلش زعفران ریخته‌اند

۲۱۸	من هم به آن فکر می کردم
۲۱۹	از آن در خارج شدم و رفتم
۲۲۰	نصفش را خودش زده
۲۲۱	داخلش را از آب پر کرده
۲۲۱	مورد نفرینم قرار می گیرد
۲۲۲	چاپار
۲۲۲	امانت
۲۲۳	پاشو برو
۲۲۴	هیچ کس را ندارم
۲۲۴	دم بر من بچه :ایید
۲۲۵	روغن زیتون می ریزم
۲۲۶	داخلش پر بود از پشم
۲۲۷	فکر کردم خودم
۲۲۷	آنها خوب می مانند
۲۲۸	مریض خواهد ماند
۲۲۹	ملا و حمال
۲۲۹	چطور انتخاب می کنند
۲۳۰	رفت به بازی
۲۳۰	عسل امانتی
۲۳۱	بردارم بهتر است
۲۳۲	تبدیل به آدم شود
۲۳۳	پنج شاهی هم اضافه تر
۲۳۴	به حرف های گوشت می دهم که این طور
۲۳۶	نشانه ملا
۲۳۷	دیگر برادری چطور می شود
۲۳۷	پدر و پسر درآمدند
۲۳۸	بین چطور سرش را پایین انداخته
۲۳۸	ملا در آن دنیا
۲۴۰	آب آب آبگوشت است
۲۴۱	شتر ملا
۲۴۳	پرواز می کند
۲۴۳	شتر نیست که...
۲۴۴	سرکه چهل ساله
۲۴۴	از این پس دیگر چه ترسی؟
۲۴۵	ملا و قلدرها

- ۲۴۵ در خانه نگذاشته است که...؟
- ۲۴۶ صدایم تا کجا می‌رود
- ۲۴۶ همگی بیایند
- ۲۴۷ بفرست به باغ
- ۲۴۷ ببین گاو آهن چه می‌کشد؟
- ۲۴۸ حالا هم نمی‌توانم بردارم
- ۲۴۸ سوت را بزن
- ۲۴۹ آخر در به اینجا می‌آید
- ۲۴۹ چنان نبود
- ۲۵۰ سوت بجور
- ۲۵۰ خامت کرده دیگر
- ۲۵۱ می‌خواستم در چین بروم
- ۲۵۱ به آرزویم رسیدم
- ۲۵۲ عمامه تمام‌نشدنی
- ۲۵۲ دعای پدر
- ۲۵۳ پسر ملا
- ۲۵۴ به غذا خوردن چه ربطی دارد؟
- ۲۵۵ در احوالات بادمجان
- ۲۵۶ حکایت خط کشیدن
- ۲۵۸ دستم به هیچ‌جا نمی‌رسد
- ۲۵۹ برعکس ایستاده بود
- ۲۵۹ تفاله
- ۲۶۱ جو هم پهن کرده است
- ۲۶۲ کاغذ نزد من است
- ۲۶۲ داخلش هم ننوشته
- ۲۶۳ در حد و اندازه کبوتر شدن
- ۲۶۳ بدون خروس که نمی‌شود
- ۲۶۴ فواید ماه
- ۲۶۵ زهره‌ام آب می‌شود
- ۲۶۵ نمی‌توانم بروم
- ۲۶۶ به تو چه ربطی دارد؟
- ۲۶۶ هر چقدر بگیرم بهتر است
- ۲۶۷ نمی‌توانی راه راست بروی
- ۲۶۷ ستاره متاره درست می‌کنند
- ۲۶۸ حرف مرد یکی است

۲۶۹	کبوتر بچه بی‌بال
۲۶۹	سنگ چخماق
۲۷۰	چه بلا شده‌اند
۲۷۱	همین راه را می‌رفتم
۲۷۱	بعد بیاورد
۲۷۲	بداند بهتر است
۲۷۲	فردا به ده می‌روم
۲۷۳	روباه شده‌ام
۲۷۴	گریه نکنم چه کار کنم
۲۷۴	چاه بانیم
۲۷۵	آه
۲۷۵	لباس را چه می‌کنید
۲۷۶	می‌خواستم با بدو
۲۷۷	زمانی که دی‌باشم آنها نیستند
۲۷۸	هر روز بیایم
۲۷۹	با کتک می‌خورانند
۲۸۰	فکر آدم را بو می‌کشند
۲۸۰	کاش هر روز عید می‌بود
۲۸۱	سوپ اردک
۲۸۱	پشم می‌کارم
۲۸۲	حق وجود دارد که...؟
۲۸۲	سه دست ندارم که...
۲۸۲	باید جلوی چشمم باشد
۲۸۳	زیر سرش باشد
۲۸۳	ملا و چشمه
۲۸۳	مرا دفن کن
۲۸۵	نعره‌ای هم به نام من بکش
۲۸۷	قهقهر می‌کند که می‌کند
۲۸۷	رویم بکشم
۲۸۸	شکمم پاره شود
۲۸۹	قیمت‌دار شود
۲۸۹	طعمش یکی است
۲۹۰	من هم نتوانستم سوار شوم
۲۹۱	خیلی عالی می‌شد
۲۹۱	هیچ کس حرفی نخواهد داشت

۲۹۲	ملا و خرس
۲۹۳	حتماً چیزی هست
۲۹۳	چنان پیدا می‌کنم...
۲۹۴	خر هم داشته است
۲۹۵	آخرین ماه بهار
۲۹۶	لحاف ملا
۲۹۶	من خوب شدم
۲۹۷	بینی خانه حطور می‌شود
۲۹۷	او سازه رفته است
۲۹۸	دیگر
۲۹۹	نتیجه‌اش درس را آب دنیا آمد
۳۰۰	علم طب
۳۰۱	طبابت ملا
۳۰۲	از خجالت این چنین می‌کم
۳۰۳	دندان درد
۳۰۳	مادر هم بچه‌دار نمی‌شه
۳۰۴	درمان گوش
۳۰۴	چشم درد
۳۰۵	وصیت ملا
۳۰۵	نانی مانند برف
۳۰۵	درمان کک
۳۰۶	تأثیر دعا
۳۰۷	حرف زدی و حرف شنیدی
۳۰۸	شعر ملا
۳۰۹	ملا شعر می‌نویسه
۳۱۰	شاعری ملا
۳۱۲	شکار خرگوش
۳۱۳	فرض علی خان
۳۱۳	شعر فارسی ملا
۳۱۴	بزغاله بزرگ شده است
۳۱۴	دیگر کجا می‌رود؟
۳۱۶	مثل خمیر
۳۱۶	در کدام قبرستان بودم
۳۱۷	سوراخ کلید
۳۱۹	مصدر

۳۱۹	کم مانده چانه‌ام از جا دریاید
۳۲۰	دُرستش می‌کنیم
۳۲۱	ملا زنش را عوض می‌کند
۳۲۲	نگو که نگفتم
۳۲۳	هر کدام باشد، به آن
۳۲۳	صحبت صمیمانه
۳۲۴	بی‌شوهر شده بودی
۳۲۵	نمی‌برد که ...
۳۲۵	پیغام
۳۲۶	درد نداشت است
۳۲۶	از سه‌اش پیز
۳۲۷	راحت می‌خوابیدن
۳۲۸	چیزی نداشته است
۳۲۸	منجوق سبز
۳۲۹	کمی بلد هستی
۳۲۹	عجب دروغگویی بود
۳۳۰	بی‌شوهر می‌مانی
۳۳۱	هیچ عیبی نداشته باشه؟
۳۳۲	تو نمی‌فهمی
۳۳۳	از من جلو افتاده
۳۳۴	کلامون می‌ره تو هم
۳۳۴	رو هوا می‌زنه
۳۳۵	من هم بودم
۳۳۶	در هر دو‌تای آن شنا می‌کند
۳۳۷	ریشم را دست زخم دادم
۳۳۸	اگر مردی به آن هم چیزی بگو دیگر ...
۳۳۸	عینک را بده
۳۳۹	چه می‌دانم سمت راستم کدام طرف است
۳۳۹	گرچه کجاست
۳۴۰	دخالت نمی‌کنم
۳۴۰	راز
۳۴۱	گاو آورد
۳۴۲	کمی آن طرف‌تر برو
۳۴۲	در عروسی هم این‌طور دیده‌ام
۳۴۳	هر آن که دوست داری را ببین

- ۳۴۳ سهم من گریه کند
 ۳۴۴ هر کس پلو خورده وارد بشود
 ۳۴۵ جهت یادگاری
 ۳۴۵ هر چقدر که بیکارم گریه می‌کنم
 ۳۴۶ صبر کردن
 ۳۴۶ به اینجا بیاییم
 ۳۴۷ خوشبخت
 ۳۴۸ یک بار هم به منزل ما می‌آید
 ۳۴۸ ۵ متر باز می‌شود
 ۳۴۹ کتاب می‌فروشم
 ۳۵۰ می‌خواهم در غایت بزمیرم
 ۳۵۱ به ماندن ت گریه می‌کنم
 ۳۵۱ دو به دو بخرایم
 ۳۵۲ نمی‌بردی
 ۳۵۳ شما بگویید
 ۳۵۴ زود می‌آید
 ۳۵۵ نورش پیدا است
 ۳۵۵ چرا قاطی می‌کنی؟
 ۳۵۶ شال
 ۳۵۷ یک روز تو جارو کن، یک روز هم او
 ۳۵۸ جلوتر باید زد
 ۳۵۹ زیر حرف نمی‌ماند
 ۳۵۹ سوزن در دستانت می‌ماند
 ۳۶۰ شاید چنین چیزی باشد
 ۳۶۳ بگذار از حالا آماده باشه
 ۳۶۳ فکر می‌کنی چه بود
 ۳۶۳ الان با هم صلح کردند
 ۳۶۴ از سی گذشته
 ۳۶۵ زیر و رو خواهد شد
 ۳۶۵ هیچی
 ۳۶۶ زن خوب شده است
 ۳۶۷ قیامت بزرگ، قیامت کوچک
 ۳۶۷ ای جان ای جان
 ۳۶۹ واگر نه الان آن را هم سوراخ کرده بود
 ۳۶۹ از بره هم ساکت‌تر می‌شود

۳۷۰	او را می‌بینی و مرا هم می‌بینی
۳۷۰	انتقام گرفته‌ام
۳۷۱	آره‌ای که دندان درنیاورده
۳۷۱	سوزاندم و خریدم
۳۷۲	خودش پیدا کرده
۳۷۲	دندان‌هایش نریخته است
۳۷۳	خر و اسب زیادی زمین خورده‌اند
۳۷۴	آشِ حلیم
۳۷۵	ذوب می‌شود و می‌ریزد
۳۷۶	ارثیه
۳۷۷	در شش، انجام می‌دهم
۳۷۸	از طایفه که بیشتر نمی‌دانی؟
۳۷۹	پسر ملا خوانند می‌د
۳۷۹	تهمت
۳۸۰	دست بردار نیست
۳۸۱	چاه آب
۳۸۱	بازی نمی‌کنم دیدی
۳۸۲	پیش چه کسی می‌آمدم؟
۳۸۳	هیچی
۳۸۴	خلاصه بگویم
۳۸۴	بتواند عمل کند
۳۸۵	مساحت و پهنایش را درست می‌کردم
۳۸۶	مرده‌ام
۳۸۷	داخلش نیستم
۳۸۷	اینجا روشن است
۳۸۸	خوابم پرید
۳۸۸	آب این‌طور می‌شود
۳۸۹	از اسارت رهایی پیدا کردم
۳۸۹	همه‌اش آنجا نوشته شده

پیشگفتار

هیشه در دل رویای این را داشتم تا سندی در پیوند زبان فارسی و زبان مادری ایم (آذری) پیدا کنم. چراکه معتقدم زبان آذری گویشی است از هزاران گویش زبان فارسی. آذری زبان آن زمین که ایرانیان از آن به عنوان زبان دوم استفاده می‌کنند.

هوسرانی شاهان قاجار و به تبع آن تسلیم بخش ارزنده و مهم کشور به روسیه تزاری و حوادثی که به تفصیل تاریخ نگاشته شده، داغی سترگ بر دل مردم ایران، علی‌الخصوص مردم شریف آذربایجان گذاشت و دردناک‌تر اینکه به تازگی با خبر شدم در کتاب‌های تاریخ مقاطع آموزشی و مدارس جمهوری آذربایجان ادعا شده است که: «آذربایجان کشوری بوده شمالی و جنوبی که بخش جنوبی آن (آذربایجان شرقی و غربی ایران) به ناحق از جمهوری آذربایجان جدا شده و در استعمار ایران قرار گرفته است. و بخش شمالی آن که در اختیار روسیه تزاری بوده پس از فروپاشی شوروی به آن بازگردانده شده است». وعجز ولابه‌های دروغ‌پیر که چه و چه.....

وقتی در لابه‌لای آثار به اصطلاح اورجینال این شبه کشور غور می‌کنیم. مفاخرشان جملگی از شاعران و نویسندگان و ادبای ایرانی هستند که جانشان را برای ایران

و ایرانی می‌دادند و در راستای اعتلای زبان فارسی سال‌ها در فقر و درماندگی قلم‌فرسایی کرده‌اند. تا جایی که شاعرانی همچون خاقانی شروانی، نظامی گنجوی، صائب تبریزی و حتی شهریار را شاعری از تبار جمهوری آذربایجان می‌دانند و تعلق آنان را به زبان فارسی به کل منکر می‌شوند.

مع‌الوصف ملا نصرالدین هم یکی از شخصیت‌های ایرانی است که در کوره راه تاریخ ایران، همچون دیگر متعلقان و دانشمندان این مرزوبوم مصادره شده است. لذا بر آن، شدم تا نسخه جمع‌آوری شده (داستان‌های ملانصرالدین) را که توسط کتابخانه ملی جمهوری آذربایجان تالیف شده، ترجمه و خواننده را در مقام قیاس قرار دهم. تا خود را به لای داستان‌های طنز و زیبای آن به اصالت ایرانی بودن این داستان‌ها و آداب و رسوم که در جریان هریک از لطیفه‌ها جاری است آگاه سازم. در پایان از دوست عزیزم جناب آقای مجید بدرکوهی مدیر محترم انتشارات ماهریس که در روزگاری که نفس کتاب و کتاب‌خوانی به شماره افتاده، کمر به حمایت از مؤلفین و جامعه فرهنگی کشور بسته است، کمال تشکر را داشته و از خداوند منان برای ایشان آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون خواستارم.